



شپږوېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شپږه شپږه څارنه علوم انساني او مطالعاتو فزيشنې
پرتال جامع علوم انساني

بیشتر آنها با وضعیت شدید اقتصادی دست و پنجه نرم می کنند و از بسیاری از حقوق انسانی و اجتماعی محرومند. از این رو، اکثریت آنها برای مقابله با وضعیت موجود به روش هایی همچون اشتغال در مشاغل غیر زراعی، اشتغال در دو یا سه شغل، کاهش هزینه های زندگی، به تعویق انداختن مراقبت های پزشکی و سایر اقدامات کوتاه مدت و اغلب مخاطره آمیز روی آورده اند. بطور خلاصه، امروزه جوامع روستایی با مسایل و چالش های فکری و فیزیکی دست به گریبانند که تأثیرات بسزائی بر سطح و کیفیت زندگی آنها برجای گذاشته است.

راهبرد اثربخشی که می توان از طریق آن برای برون رفت از مسایل و

چالش های پیش روی

جوامع روستایی

اتخاذ نمود همانا،

حمایت افراد

محلی از

همدیگر از

طریق تشکیل

سازمان های

خودیاری و

گروه های حمایت

می باشد که می توانند

بعنوان جان پناهی در

برابر توفان های زندگی

روستایی نقش موثر و بسزایی را

در این مهم ایفا نمایند. به بیان دیگر، این

گروهها به روستاییان کمک کرده که بتوانند خودشان به همدیگر برای مقابله با مواقع سختی و مسایل و مشکلات پیش روی شان کمک نمایند. این گروهها بطور باور نکردنی اعضای خود را توانمند خواهند ساخت چراکه آنها را قادر به گرفتن مسئولیت و کنترل بر زندگی شان سازد، بعبارت دیگر، گروه های خودیاری مکان سالمی را فراهم می آورند که اعضا می توانند اندیشه، احساسات و تجارب خود را در موقعیتی مشابه بادیگران در میان بگذارند. اعضای این گروهها با عضویت در این تشکلهای نه تنها حمایت عاطفی لازم را از همدیگر کسب می نمایند، بلکه شیوه های جدید زندگی و مقابله با سختیها و نیز استراتژیهای لازم برای بهبود شرایط زندگی را از همدیگر می آموزند و از طرفی، از این طریق به اطلاع رسانی و آموزش یکدیگر نیز کمک شایانی می کنند.

بر اساس مقدمه فوق که در آن مسایل روستاییان و نقش محوری گروه های خودیاری در رفع آنها مطرح شد، در این قسمت به بررسی سابقه همیاری در روستاهای کشور، نقش گروه های خودیاری در عرصه ترویج و توسعه روستایی، ارکان دوازده گانه خودیاری، تکثرگرایی نهادی و ترویج و توسعه روستایی و در نهایت عوامل موثر بر اثر بخشی ساختار کارکردی گروه های خودیاری می پردازیم.

گروه های خودیاری به مثابه گروه های اجتماعی

در حدود ۳۷ درصد از جمعیت کشور در نواحی روستایی سکنی دارند (سالنامه آماری ۱۳۷۷، ص ۶۱) خانواده های روستایی با مسایلی همچون جراحیها و بیماریهای ناشی از کار، بر خورداری از آزادی کمتر، کمی اراضی و قطعه قطعه بودن آنها، پایین بودن میزان تولید و در نتیجه پایین بودن درآمد حاصله از تولید و انواع بسیار زیادی از مخاطرات دیگر مواجه اند که هر کدام بنوعی بیشتر و یا تمامی دارییهای آنها

را می بلعد. از طرفی، مسئله بحران اراضی نه تنها بر مزارع،

تولید و درآمد روستاییان، بلکه بر شهرهای کوچک و

فعالتهای وابسته به کشاورزی نیز تأثیرات سوئی را

برجای خواهد گذاشت. بعلاوه، در طی سالهای

اخیر، هزاران خانواده کشاورز به دلیل عدم

استطاعت ماندن در روستاها و رویارویی با

مسائل و مشکلات عدیده موجود، فعالتهای

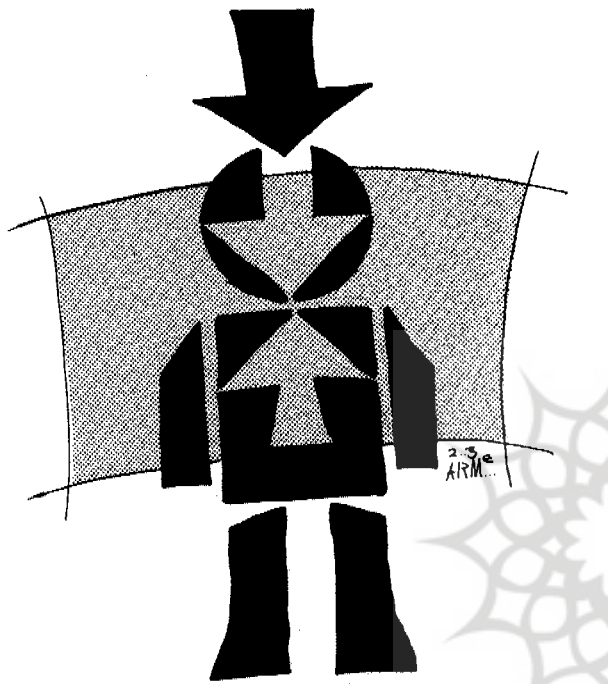
کشاورزی را ترک گفته و روانه شهرها

گروه های خودیاری مکان سالمی را فراهم می آورند که اعضا می توانند اندیشه، احساسات و تجارب خود را در موقعیتی مشابه بادیگران در میان بگذارند. اعضای این گروهها با عضویت در این تشکلهای نه تنها حمایت عاطفی لازم را از همدیگر کسب می نمایند، بلکه شیوه های جدید زندگی و مقابله با سختیها و نیز استراتژیهای لازم برای بهبود شرایط زندگی را از همدیگر می آموزند و از طرفی، از این طریق به اطلاع رسانی و آموزش یکدیگر نیز کمک شایانی می کنند.



شده اند. بطوریکه، بر اساس آمارهای موجود در طی سال های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ در حدود ۳۵ هزار آبادی کشور خالی از سکنه شده است (آسایش ۱۳۷۶، ص ۱) و از آن تعداد مردمی هم که در روستاها مانده اند

لازمه وجود بنه، وجود مالکیتی وسیع برآب و زمین است که خود اساساً متلاشی شده است (صفی نژاد ۱۳۶۷، صص ۵۴۸، ۵۶۷). بدین سان، مسئولین کومه نظر در دوره رژیم پهلوی با رویای بسط سرمایه داری در مناطق روستایی به تبعیت از کشورهای غربی و رئیس جمهور وقت آمریکا، دست به اقدامی زد که بدلیل عدم اجرای صحیح و دقیق و مدیریت صحیح و سایر مسایل مرتبط با آن، تحولات و تغییرات اساسی را در صحنه جامعه روستایی، منجمله نابودی و محو کامل همیاریهای نظیر بنه، صحرا، حراثه و ... موجب گردید و ضربه ای شدید بر منابع کشاورزی کشور وارد ساخت.



بهترین نمونه از همیاریهای سنتی در روستاهای کشور در دوران قبل از اصلاحات ارضی، نظامهای تولید زراعی جمعی معروف به "بنه" می باشند که نماد و سمبلی از سابقه کهن همیاری در روستاهای کشور بحساب می آمدند.

حل مسئله یکی از وظایف یادرواقع عملکردهای مهم و حیاتی گروههای خودیار است چرا که عامل استقرار و تداوم ساختی - کارکردی گروههای خودیار، همانا تشخیص مسائل واقعی و راهکارهایی برای حل آنها و نیز تقسیم کار و تسهیم منابع و تعهد اعضا نسبت به اجرای تصمیمات اتخاذ شده در رویه ای مشارکتی است.

۱- سابقه همیاری و تعاون سنتی در روستاهای ایران

کشور ایران بدلیل برخورداری از فرهنگ و تمدن غنی، از سابقه ای بس طولانی در زمینه همیاری و تشکیل سازمانهای همیاری (غیر رسمی و سنتی) برخوردار است. در جامعه ما قبل سرمایه داری ایران که برپایه نیازها و فرهنگ مردم بود، کشاورزان مجبور بودند که براساس تعاون کارکنند. از یکطرف، کارایی پایین ابزار و آلات کشاورزی و از طرف دیگر، سختی نظام رفاه اقتصادی و اجتماعی، روستاییان را مجبور می کرد تا کارها را بطور دست جمعی انجام دهند. به سخن دیگر، همیاری و تعاون سنتی در روستاهای ایران در پنج زمینه (۱) استفاده از نهاده های کشاورزی، (۲) امور تولیدی، (۳) خرید خدمات، (۴) امور مربوط به تاسیسات زیربنایی و (۵) دفاع از مزارع هر روستا در مقابل خطرات طبیعی و انسانی معمول بوده است. یک بررسی از فرایندهای تولید در روستاهای ایران نشان داده است که در حدود ۹۰ درصد از کارهای تولیدی در روستاهای ایران برپایه همیاری بوده است. (لهسایی زاده، ۱۳۷۹، صص ۷۶، ۷۸).

به بیان دیگر با مروری بر سابقه همیاری در روستاهای کشور، ملاحظه خواهیم نمود که همیاری در جامعه روستایی ایران بیش از خودیاری و دیگر یاری بچشم می خورد. همیاری به معنای یکدیگر را یاری رساندن و موفقیت خود را در گرو موفقیت دیگران دانستن، سابقه در فرهنگ روستایی دارد و تا حدودی ناشی از وضعیت طبیعی و جغرافیایی می باشد، زیرا در مناطقی که عدم مساعدت طبیعت، نیروی انسانی را وادار به سعی و کوشش بیشتر می کرد، همیاری در زمینه تأمین آب و به همین ترتیب همیاری در سایر امور زراعی و دامداری غنی تر نمایان تر است (طالب، ۱۳۶۹، صص ۷۶). این همیاریها از آنجائیکه بصورت داوطلبانه و مشارکتی بوده و تمام اعضاء در مدیریت آن نقش داشته و از مزایای آن نیز بطور مشترک سود می بردند و همچنین به دلیل آنکه با فرهنگ و اذهان روستاییان عجین شده و از طریق فرایندهای اجتماعی شدن و جامعه پذیری ملکه اذهان آنها شده بود، نقش مهم و تعیین کننده ای را در توسعه روستایی و بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی روستاییان برعهده داشت.

بهترین نمونه از همیاریهای سنتی در روستاهای کشور در دوران قبل از اصلاحات ارضی، نظامهای تولید زراعی جمعی معروف به بنه می باشند که نماد و سمبلی از سابقه کهن همیاری در روستاهای کشور بحساب می آمدند. که با انجام اصلاحات ارضی و تقسیم زمین و آب بین زارعین صاحب نسق، هر عضو با شرایطی مالک آب و زمین گردید و از آن پس، خود به تهیه بذرو نیروی شخم پرداخته و با نیروی کار خود و خانواده به کشت زمینها مبادرت ورزیدند. بدین ترتیب، هر عضو بنه قبلی اصلاحات ارضی، شخصاً مالک عوامل چهارگانه آب، زمین، بذر و نیروی شخم شده و تقریباً خرده مالکی شدند که براساس خرده گاویندی مبادرت به کشت می کردند. وجود چنین ساختی در بهره برداری از منابع پایه تولید در بخش کشاورزی متضمن استفاده پایدار از آنها به عنوان مانعی بر سر راه تخریب منابع طبیعی تولیدی و غیرتولیدی بود. در چنین حالتی، که کلیه عوامل بنه در اختیار یک فرد قرار می گرفت، دیگر بنه ای نمی توانست وجود داشته باشد چراکه

اما با وجود این، هنوز هم در روستاهای کشور، علی‌رغم تغییرات فوق، شاهد انواع همیاریهای مردمی به اشکال مختلفی همچون همکاری در مراسم سوگواری و یا ازدواج فامیل، دوستان و همسایه، راه اندازی صندوق های رفع مصیبت در روستاهای استان مازندران، تشکیل صندوقهای پس انداز در بین جوانان (دختران و پسران)، بزرگسالان (مردان و زنان) و سالمندان (عموماً زنان) در نقاط مختلف کشور، همکاری در برگزاری مراسم سوگواری در ایام ماههای مبارک محرم و رمضان و بسیاری از انواع همیاریهای مشابه هستیم که می‌توان با انجام برنامه ریزیهای اصولی، ارائه آگاهی و مشاورتهای لازم به روستاییان در زمینه تشکیل و گسترش و تقویت انواع سازمانها و گروههای خودیاری و مساعدت اصولی، نه رهبری

در سازماندهی و هدایت این سازمانها و گروهها، به دامنه موفقیت، گسترش و تقویت انواع نهادهای مدنی سنتی و سازمانهای همیاری در روستاهای کشور در جهت توسعه کشاورزی و روستایی و بهبود شرایط زندگی اقشار مختلف روستایی بویژه محرومان و اقشار آسیب پذیر افزود.

۲- نقش گروههای خود یار در عرصه ترویج و توسعه روستایی

جدای از ماهیت ساختی گروههای خودیار، بسیاری از کارکردهایی که چنین تشکلهایی می‌توانند بعنوان وظایف نهادی در راستای توسعه پایدار منابع طبیعی به انجام رسانند، در سه نقش راهبردی ذیل تقسیم بندی شده است:

الف- جایگاهی برای هم اندیشی و عمل جمعی و سازماندهی اجتماعات محلی: گروههای خودیار اغلب مکانی مناسب برای گردهمایی مردم محلی بمنظور بحث و تبادل نظر تفاهم‌آمیز راهبردی پیرامون مسائل مشترک از جمله منافع، اهداف، مسائل و مشکلات مشترک می‌باشد و در این راستا، اعضای گروه می‌توانند در محیطی غیررسمی و آزاد، مسایل شان را مطرح نموده و با هم‌اندیشی، راهکارهایی را برای حل مسائل طرح نمایند بنحوی که اعضاء نیز با اجرای عملی این راهکارها تعهد جمعی داشته باشند. در این راستا، گروههای خودیار می‌توانند به عنوان یک عضو نهادی از جامعه مدنی در زمینه ای مطلوب از کنترگرایی نهادی با سایر سازمانهای درگیر در عرصه ترویج و توسعه روستایی بمنظور پیشبرد اهداف توسعه پایدار محلی مشارکت نموده و زمینه ساز انتقال منابع عالی، انسانی و نهادی بمنظور توانمند سازی پایدار اعضاء شرکت کننده باشند.

ب- طرح و اجرای فعالیتهای گروهی و تدارک خدمات برای اعضا: بسیاری از گروههای خودیار بعنوان نهادی برای ذخیره اعتبارات گروه و عرصه حمایتی مالی و فنی لازم همانند وامهای کم بهره، تکنولوژی و نهادهای تولید عمل می‌کنند. در این راستا، گروههای خودیار می‌توانند با جلب حمایتیهای لازم از سوی نهادها، به استخدام

پرسنل فنی و کارگران ترویجی بپردازند.

ج- حل مسئله و نقش توانمندسازی: حل مسئله یکی از وظایف یادرواقع عملکردهای مهم و حیاتی گروههای خودیار است چرا که عامل استقرار و تداوم ساختی. کارکردی گروههای خودیار، همانا تشخیص مسائل واقعی و راهکارهایی برای حل آنها و نیز تقسیم کار و تسهیم منابع و تعهد اعضاء نسبت به اجرای تصمیمات اتخاذ شده در رویه ای مشارکتی است.

وجود جو همکاری و مشارکت در گروههای خودیار با تشخیص مسائل واقعی، اولویت بندی نیازها و جستجوی راه حل های کارآمد بمنظور استفاده توام و برنامه ریزی شده از منابع بومی (محلی، دانشی و نهادی) و خارجی در قالب حمایتی دریافتی از سوی سایر نهادها در رویه پایدار کمک نماید و در این صورت است که گروههای خودیار می‌توانند

به ایفای نقش توانمند سازی از طریق ساخت، توسعه و افزایش قدرت عملیاتی در قالب فعالیت تعاونی، تسهیم منابع، کاربردها و به تبع آن نتایج به دست آمده بپردازند و در اینجاقدرت حاصل از توانمندسازی همانا منتج از آزاد سازی انرژی و بالفعل سازی استعدادها و تواناییهای بالقوه و عمل متکی بر توانایی و خرد جمعی در راستای پیشبرد فرایندهای حل مسئله است.

پیشنهادات

بر اساس مباحث مطروحه در متن پیشنهادها و راهکارهایی را می‌توان به منظور تشکیل، گسترش و تقویت گروههای خودآموز در روستاهای کشور در راستای توسعه روستایی برشمرد:

(۱) یکی از عوامل کلیدی شناسایی گروههای خودیار و نیز گروههای خودآموز ترویجی، گزینش موسسات همکاری می‌باشد. از این رو، این موسسات که مهمترین آنها سازمانهای دولتی و غیر دولتی در بخش روستایی می‌باشند، می‌بایست قبل از هر چیز، از نظر کارایی و صلاحیت در زمینه گسترش خودیاری، مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار گیرند. این امر مستلزم ارزیابی قابلیت سازگاری اهداف موسسه با گروههای مورد نظر است. نکته بعدی که باید بدان توجه نمود، جلوگیری از ایجاد نگرش آمرانه و پدربا بانه سازمانها و موسسات نسبت به گروههای خود آموز ترویجی است. که در غیر اینصورت، اثرات سوئی بر فرایند یادگیری متقابل و موفقیت و گسترش این گروهها بر جای خواهد گذاشت.

(۲) امروز صاحب نظران، از عامل انسانی بعنوان محور و اساس توسعه یاد می‌کنند. گروههای خودآموز ترویجی نیز مستثنی از این قاعده نبوده و در تمامی مراحل تشکیل، گسترش و موفقیت آنها، عامل انسانی و انگیزه نیروی انسانی به عنوان عنصری کلیدی تلقی می‌گردد. از این رو، شناسایی منابع محلی و ترغیب و ایجاد انگیزه در آنها به

در

جامعه ما قبل سرمایه

داری ایران که بر پایه نیازها و

فرهنگ مردم بود، کشاورزان

مجبور بودند که بر اساس تعاون

کار کنند. از یکطرف، کار آیی پایین ابزار

و آلات کشاورزی و از طرف دیگر،

سختی نظام رفاه اقتصادی و اجتماعی،

روستاییان را مجبور می کرد تا

کارها را بطور دست جمعی

انجام دهند.

انسانی و انگیزه نیروی انسانی به عنوان عنصری کلیدی تلقی می‌گردد. از این رو، شناسایی منابع محلی و ترغیب و ایجاد انگیزه در آنها به تشکیل گروه‌های خودآموز ترویجی، عاملی مهم به شمار می‌آید.

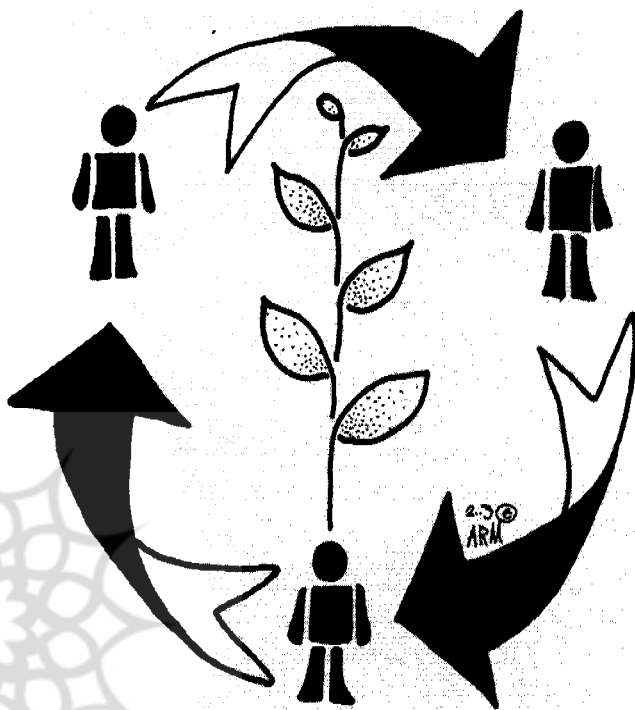
۳) مسئله بعدی، استفاده از رهبران محلی، معتمدین، کارشناسان و نخبگان محلی بعنوان گروه‌های پیشرو در راستای ترغیب مردم به

۴) مهمترین مسئله در گسترش این نوع گروه‌ها (ویا هر سازمان و گروهی دیگر) در سطح روستاها، سرمایه‌گذاری از سوی دولت و سازمانهای وابسته میباشد. این سرمایه‌گذاری می‌تواند در سه شکل جلوه نماید: (الف) سرمایه‌گذاری در اطلاع‌رسانی و ارائه آموزش‌های لازم به روستاییان نقاط مختلف کشور نسبت به ضرورت، اهمیت و ماهیت این گروه‌ها، (ب) سرمایه‌گذاری در تهیه و تدارک اعتبارات و ارائه کمک‌های مالی و فنی و (ج) سرمایه‌گذاری در ارائه خدمات مشاوره‌ای و ارشادی در زمینه مسائل مفهومی، سیاسی و مدیریتی.

علاوه بر موارد فوق، ارائه آموزش‌های مورد نظر می‌بایست اعضا، مدیران و رهبران گروه‌های خودآموز ترویجی موجود را نیز در برگیرد (۵) از آنجائیکه فقدان کارشناسان خبره محلی (بدلیل مهاجرت آنها به شهرها برای جستجوی شغلی متناسب با وضعیت تحصیلی خود و یا ادامه تحصیل) امروزه یکی از معضلات جوامع روستایی در کشور است، از این رو پیشنهاد میگردد که دولت در ابتدای تشکیل این گروه‌ها با ارائه رهنمودها و ارشادهای مدیریتی ولی نه بصورت رهبری و هدایت آنها، زمینه و بستری را برای موفقیت این گروه‌ها فراهم نماید.

۶) موضوع مهم در زمینه گسترش این گروه‌ها، وجود شرایط لازم برای بقای آنهاست. این شرایط عبارتند از: کسب منافع بیشتر برای اعضا نسبت به سایر راهکارها، وابستگی به صلاحیتهای مدیریتی رهبران، مشارکت اعضا در تأمین سرمایه، تصمیم‌گیری و منافع حاصله و اتکا به منابع خودی (مونکتر، ۱۳۷۴، صص ۳۷، ۴۰).

۷) و بالاخره انجام بررسیها و مطالعات وسیع و در عین حال موردی، کاربردی و ژرفانگر در مورد گروه‌های خودآموز ترویجی موجود در سطح روستاهای کشور و متعاقب آن ارائه راهکارها و استراتژیهای راهبردی برای موفقیت، گسترش و تقویت آنها در سایر نقاط کشور.



از آنجائیکه فقدان کارشناسان خبره محلی (بدلیل مهاجرت آنها به شهرها برای جستجوی شغلی متناسب با وضعیت تحصیلی خود و یا ادامه تحصیل) امروزه یکی از معضلات جوامع روستایی در کشور است، از این رو پیشنهاد میگردد که دولت در ابتدای تشکیل این گروه‌ها با ارائه رهنمودها و ارشادهای مدیریتی ولی نه بصورت رهبری و هدایت آنها، زمینه و بستری را برای موفقیت این گروه‌ها فراهم نماید.

تشکیل گروه‌های خودآموز ترویجی می‌باشد. بی تردید با انجام این کار و موفقیت در آن، بسیاری از موانع موجود بر سر راه تشکیل و گسترش گروه‌های خودآموز ترویجی برداشته خواهد شد.

فهرست منابع

- ۱) آسایش، حسین (۱۳۷۶)، برنامه ریزی روستایی در ایران، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۲) ازکیا، مصطفی (۱۳۷۴)، مقدمه ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی، انتشارات اطلاعات.
- ۳) حجاران، احمد و مصطفی ازکیا (۱۳۷۳)، مقدمه ای بر جامعه‌شناسی، تالیف جی بی جیتا مبار، نشر نی.
- ۴) صفی نژاد، جواد (۱۳۶۸)، بنه (نظامهای زراعی سنتی در ایران) تهران چاپخانه سپهر.
- ۵) طالب، مهدی (۱۳۶۸)، شیوه‌های همیاری در جامعه روستایی ایران نامه علوم اجتماعی، شماره یک، انتشارات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ۶) مونکتر، هانس اچ و همکاران (۱۳۷۴)، راهبردهای برای گسترش سازمانهایی خودیاری ویژه محرومان روستایی ترجمه حمید زرنگار، تهران، دفتر ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی.
- ۷) وثوقی، منصور، نیک خلق، علی اکبر (۱۳۷۷)، مبانی جامعه‌شناسی، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات خردمند.